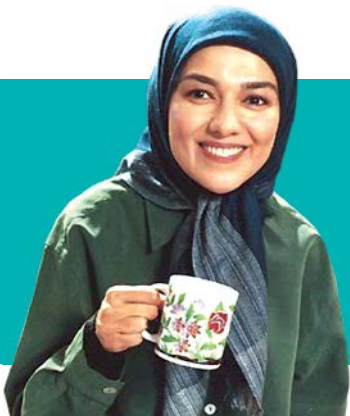
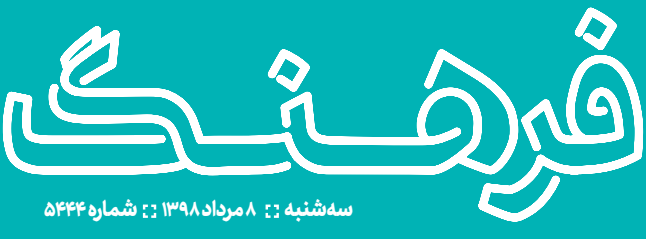
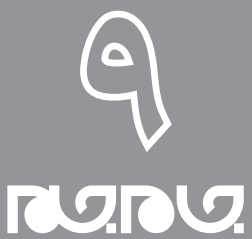




نمایش دلخواه به تاخیر افتاد



بهزاد فراهانی و بازمانده‌های جنگ



مروری بر کارنامه حرفه‌ای پوپک گلدره
که امروز سالروز تولدش است

دنیای شیرین رتبه ۵۶ کنکور



چهره هفته

علی اکبر شکارچی، تازه‌ترین اثر
آموزشی خود را رونمایی کرد

بغض استاد

علی اکبر شکارچی، نوازنده، آهنگساز و مدرس موسیقی است، از نسل همان مردان بزرگی که حتی در روزهای نبودشان هم رد و نشانه‌هایشان به زبان هنر باقی خواهد بود. شکارچی روز گذشته با حضور در ساختمان دفتر موسیقی وزارت ارشاد تازه‌ترین اثر خود را رونمایی کرد. او ابتدای این نشست گفت: صوت و تصویر در جهان و در عرصه آموزش حرف اول را می‌زند. وقتی صوت و تصویر با هم همراه باشد، هنرجو صوت و تصویر را همزمان می‌بیند، به همین خاطر در طرح قبلی که «چراغ افروخته» را به صورت تصویری ضبط کردم، تصمیم گرفتم طرح «ارغوان» را هم به صورت تصویری ضبط کنم و در اختیار هنرجویان قرار دهم. شکارچی ادامه داد: درست مانند درختی که به بار نشسته خود را تکانه‌دهم تا آنچه دایم را برای نسل‌های آینده منتشر کنم (وقتی این جملات بر زبان علی اکبر شکارچی جاری شد، بغض گلوئی او را گرفت و تا دقایقی سکوت کرد). حدود صد میلیون تومان برای این کار هزینه شده که این را شادباش مردم ایران می‌کنم حتی اگر هیچ بازگشت سرمایه‌ای نداشته باشد.

این هنرمند اظهار کرد: طرح ارغوان در منزل شخصی خودم ضبط شد. در زمینه ثبت‌نویسی حدود ده سال روی این طرح کار کرده و سعی کردم کاری کنم که شاگرد، ملودی‌ها را با کلام یاد بگیرد. کلامی که از ساده به پیچیدگی برود، کمک می‌کند که نوازندگان موسیقی دستگاهی بتوانند هم بنوازند و هم بخوانند. نواختن و خواندن همزمان، شنونده را تسخیر می‌کند.

شکارچی درباره لزوم پرداختن به مباحث آموزشی تاکید کرد: حدود ده سال پیش از چند سازنده کمانچه پرسیدم که در چند سال گذشته چند ساز ساخته‌اید. جوابشان جالب بود و نشان می‌داد که فقط در لرستان چند ده‌هزار کمانچه ساخته شده و این یعنی تعداد نوازندگان زیاد شده و نیاز به بحث آموزش وجود دارد. کسانی مانند لطفی، مشکاتیان، فرهنگ‌فر و دیگران، هر کدامشان از نظر آموخته‌های هنری پر از داشته‌های بسیار بودند، اما متأسفانه بخشی از داشته‌هایشان با مرگشان از بین رفت. او در پایان گفت: من سعی کردم آنچه می‌دانم را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم و چیزی با خودم نبرم. کسانی که آموزش می‌بینند خودشان افرسوده نکنند. هنرآموزان، هم باید آموزش شفاهی را تجربه کنند و هم ثبت‌نویسی را بیاموزند. البته خیال نکنید که من در این کتاب‌ها و سدی‌های آموزشی،

همه چیز را گفته‌ام. من تنها آنچه می‌دانستم را گفته‌ام.



قصه از آنجا شروع شد که چند روزی است در شبکه‌های اجتماعی صحبت از موسساتی است که سهمیه کاغذ دولتی می‌گیرند. تا اینجا کار مشکلی نیست، مشکل آنجاست که رد و نشانی از این موسسات روی دکه و کیوسک مطبوعات نیست. ما هم رد یکی از این موسسات را گرفتیم. موسسه‌ای بی‌نام و نشان به نام «دانش فرهنگ مینو» که طبق یادداشتی که ۲۹ تیر سال جاری در روزنامه شرق منتشر شده، گفته می‌شود ۳۱۱ تن کاغذ دریافت کرده است. این که می‌گوییم «دانش فرهنگ مینو» یک موسسه بی‌نام و نشان است را حمل بر توهین نگذارید. خودتان وقت بگذارید و نام این موسسه را در یکی از همین موتورهای جست‌وجوگر جست‌وجو کنید و نتیجه را ببینید. هیچ سایت و پایگاهی به این نام بالا نمی‌آید. این اما تمام ماجرا نیست. پیگیری برای اطلاع از جزئیات فعالیت این شرکت ما را به فهرست یارانه‌هایی رساند که معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد به مطبوعات پرداخت کرده است. پیش از آن که سراغ یافته‌هایمان از این شرکت برویم اجمالاً نتیجه را گزارش می‌کنیم. در فهرستی که توسط وزارت ارشاد منتشر شده دقیقاً نام ۴۰ رسانه با صاحب امتیازی این شرکت به چشم می‌خورد. بله درست خواندید: ۴۰ رسانه! این رسانه‌ها در مجموع در شش ماهه دوم سال گذشته و شش ماهه علی‌الحساب سال جاری حدود ۶۰۰ میلیون تومان یارانه از معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد دریافت کرده‌اند. این مبلغ به جز آن ۳۱۱ تن کاغذ دولتی است که در اختیار این شرکت‌های مطبوعاتی قرار گرفته است.

نکته جالب این موسسه، مرور نام نشریاتی است که ذیل این عنوان صاحب امتیاز منتشر می‌شود. حجم کمیت و کیفیت و تنوع عناوین مجله‌ها و نشریات حاکی از آن است که باید با یک مجموعه بزرگ مطبوعاتی سر و کار داشته باشیم که از موضوعات خانوادگی و زنان تا امنیت شبکه و اینترنت را تحت پوشش قرار داده و نشریه منتشر

بخشی از سهمیه کاغذ و یارانه رسانه، صرف رسانه‌هایی می‌شود که روی کیوسک‌ها دیده نمی‌شوند

یارانه ترمینالی

می‌کند، اما این همه ماجرا نیست. بخش زیادی از این نشریات با عناوین عجیب و غریب است که احتمالاً نامشان هم به گوش کسی نخورده، چه برسد به آن که روی دکه فروخته شوند. به بعضی از این عناوین دقت کنید: صبح بانوان، گل‌های اقتصاد، مهندسی امنیت، جدول شانس و... جمع این نشریات به ۴۰ نشریه می‌رسد که مبلغی برابر با ۵۹۱ میلیون تومان از وزارت ارشاد یارانه دریافت کرده‌اند.

دانش فرهنگ مینو شناسی!

همان‌طور که عنوان کردیم، جست‌وجو برای شناخت جزئیات اقدامات این شرکت به جایی ختم نمی‌شود. با این حال اسناد ثبت شرکت‌ها نشان می‌دهد این شرکت در آبان ۱۳۸۷ با سرمایه صد هزار تومان ثبت شده است. موضوع فعالیت شرکت هم «انتشار نشریه پس از اخذ مجوزهای لازم» ذکر شده است. یعنی در سامانه ثبت شرکت‌ها با شرکتی روبه‌رو هستیم که موضوع فعالیت آن صرفاً انتشار نشریه است. وحید نوری و سعید رساپور هم اولین مدیران این شرکت ذکر شده‌اند. آخرین تغییرات این شرکت مربوط به آبان ۹۵ است. طبق این تغییرات

آقایان محمد انصاری منش و حیدر انصاری منش شرکای شرکت معرفی شده‌اند. در نهایت هم دفتر این شرکت در تیرماه ۹۶ به منطقه دولت‌آباد شهرری نقل مکان کرده است.

مجلات مادر ترمینال‌ها توزیع می‌شود

از محمد انصاری منش، مدیرعامل شرکت دانش فرهنگ مینو هم اطلاعات دقیقی در دست نیست. با این حال جست‌وجوی نام وی در موتورهای جست‌وجوگر حاکی از آن است که در چند جا نام ایشان دیده شده. یکی از اینها مربوط به گزارشی با تیتر «گلایه مدیران مطبوعات از پرداختی‌های طرح اشتراک» است که در پایگاه انجمن صنفی مدیران رسانه دیده می‌شود.

در بخشی از این گزارش در انتقاد از تاخیر پرداختی یارانه طرح اشتراک به نقل از انصاری منش آمده است: «واقعاً اگر چنین برنامه‌ای باشد، فاجعه‌ای برای همه پیش خواهد آمد، به‌خصوص این که آخر سال معمولاً همه انتظار تسویه حساب دارند. از چاپخانه و کاغذ فروش گرفته تا پرسنل که علاوه بر حقوق خود، عیدی و پاداش را

هم به حق مطالبه می‌کنند. کاش حداقل شفافیت به خرج دهند و در این خصوص توضیحاتی ارائه دهند که در این روزهای پایانی سال فکری به حال خود کنیم.» انصاری منش در مطلب دیگری که در یکی از کانال‌های تلگرامی و در واکنش به مبهم بودن فعالیت‌های رسانه‌ای شرکت دانش فرهنگ مینو منتشر شده، آورده است: «بیشتر نشریات این موسسه از نوع «سرگرمی» هستند که معمولاً در بسته‌های چندتایی با عنوان برگشتی در مراکز می‌مانند پایانه‌ها، مکان‌ها و مناطق و شهرهای حاشیه‌ای و فقیرنشین عرضه می‌شود و ناشر از این حضور به خود می‌بالد.» واقعیتش را بخواهید ما همان ابتدای گزارش می‌خواستیم عنوان کنیم مشابه نام بعضی از نشریات دانش فرهنگ مینو در پایانه‌ها دیده می‌شود که با قیمت پایین به فروش می‌رسد و معمولاً هم محتوای فرهنگی چندانی ندارند.

سؤال اصلی

محمد خدادی، معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد چند روز قبل در واکنش به این انتقادات در صفحه توئیتر اعلام کرده بود یارانه مطبوعات با قواعد شفاف برای نشریات منتشر شده محاسبه و پرداخت می‌شود و دستور رسیدگی دقیق و اعلام نتیجه به وزیر محترم ارشاد هم داده شده است. چرا باید یارانه دولتی برای محتواهایی پرداخت شود که سهم چندانی در رشد و ارتقای فرهنگی افکار عمومی ندارند؟



به یاد پوپک گلدره

امان از دست این نگارنده.... داشت دستش می‌رفت بنویسد خدا را شکر هوا کمی بهتر شده که مجش را گرفتم و نشاندمش سر جایش. ای بابا... اینجا ستون هواشناسی که نیست. پشت صحنه گروه فرهنگ و هنر روزنامه است. نگارنده هم دید هوا بدجوری پس است و بهتر است امروز بی‌چک و چانه برود سراغ نوشتن این‌که در صفحه‌های فرهنگی چه خبر است. همین‌طوری معمولی هم بنویسد در چهار صفحه امروز چه خبر است. بهتر از این است که هر روز اعلام کند خورشید چه کرد و ماه از کدام طرف رد شد... حرف بدی می‌زنم؟

در صفحه ۹ امروز همکارانمان نشسته‌اند به‌کشف یک مافیای مطبوعاتی و فساد بزرگ دیگر که جان بازار کاغذ را گرفته و کلی پول مملکت را هم به هدر داده است. گزارش امروزمان را بخوانید و با یک شرکت جدید در این زمینه آشنا شوید!

بوی ماه مهر و ماه مدرسه هم از همین حالا با برنامه‌ریزی‌ها برای بازار لوازم التحریر آغاز شده است. دفتر مشق‌هایی با جلد شهدای مدافع حرم و شخصیت‌های شکرستان، پایتخت و... در حال تولید است و می‌توانند مانند چند سال گذشته گزینه خوبی برای همراهی بچه‌ها در مدارس باشند. در صفحه ۱۰ می‌توانید درباره این موضوع بخوانید.

زننده یاد پوپک گلدره اگر زنده بود، امروز ۴۸ ساله می‌شد. یعنی امروز تولد این بازیگر محبوب است که برای ما دهه شصتی‌ها و بزرگ‌ترها در دنیای شیرین دریا، نرگس و... کلی خاطره فراموش نشدنی ساخت. اما مرگ است دیگر... شوخی ندارد، می‌آید و ما را با خود می‌برد. گلدره هم سال‌هاست که در میان ما نیست، حالا به مناسبت تولدش، فعالیت‌های هنری اش را بررسی کرده‌اند. در صفحه ۱۱ بخوانید و ببینید سازاز قبربری درباره این هنرمند فقید چه نوشته است.

در صفحه ۱۲ هم صابر محمدی گزارشی نوشته از گرایش این روزهای صحنه تئاتر به شخصیت‌های حقیقی. محمدی خودش آن قدر شخصیت خاصی است که باور کنید جا دارد درباره‌اش تئاتری روی صحنه ببریم.... بخوانید و ببینید چه می‌کند این روزنامه‌نگار.

تجدید مناقصه عمومی

نوبت دوم

مرکز آموزشی در مانی بیمارستان حضرت علی اصغر (ع)

وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت واگذاری بخشی از امور خدمات از طریق برگزاری تشریفات مناقصه اقدام نماید. از متقاضیان واجد شرایط دعوت بعمل می آید به منظور دریافت اوراق مناقصه از تاریخ ۰۴/۰۴/۹۸ لغایت ۰۳/۰۵/۹۸ از ساعت ۸ الی ۱۴ پرداخت هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.

آدرس: تهران - بزرگراه مدرس شمال - خیابان وحید دستگردی (ظفر سابق)
پلاک ۱۹۴ بیمارستان حضرت علی اصغر (ع) - واحد حراست
مهلت ارائه پیشنهادات: از تاریخ ۰۴/۰۴/۹۸ لغایت ۰۳/۰۵/۹۸ از ساعت ۸ الی ۱۴ پرداخت هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.

بیمارستان حضرت علی اصغر (ع)